

گزارشی از کتاب درآمدی بر مکتب شناسی فقهی



نشست علمی مکتب شناسی فقهی از سلسله نشست‌های فلسفه فقه با حضور دو تن از اندیشوران حوزه علمیه در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم برگزار شد. در این نشست، که به همت گروه فلسفه فقه پژوهشگاه فقه و حقوق این پژوهشگاه برگزار شده بود، حجت‌الاسلام شب زنده دار و حجت‌الاسلام مبلغی به بیان آرای خود درباره چند و چون مکتب شناسی و مکاتب فقهی پرداختند. دیدگاه‌ها در اغلب موارد نزدیک و کامل کننده هم بود و دو استاد تنها در صورت یا عدم ضرورت آشنایی فقیه با مکاتب دیگر در مقام فتوا اختلاف نظر داشتند.

حجت‌الاسلام شب زنده دار معتقد بود که آشنایی با مکاتب دیگر تنها برای پیشرفت علم ضروری است و از آنجا که هدف فقیه رسیدن به «قطع» است که بین خود و خدایش حجت باشد و این قطع ممکن است از هر طریقی حاصل شود، پس از حصول آن، دیگر نیازی به آشنایی با مکاتب دیگر ندارد.

حجت‌الاسلام مبلغی اما می‌گفت مکتب شناسی نه تنها برای پیشرفت علم، بلکه در هر دو مرحله آموزش اجتهاد (درس خارج) و فتوا دادن ضروری است و به عبارتی دیگر اتفاقاً فقیه برای آنکه به قطع واقعی برسد، ناگزیر از ملاحظه آرای دیگران (مکاتب دیگر) است.

مسئلاً پرداختن به محتوای نشست یاد شده، هم از حوصله این یادداشت و هم از عهده نگارنده خارج است، اما برگزاری آن دست‌مایه‌ای شد برای آنکه گزارشی از کتاب «پیش درآمدی بر مکتب شناسی فقهی»، که به کوشش حجت‌الاسلام سعید ضیایی فر، مدیر گروه فلسفه فقه و در گفت و گو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه تدوین شده است، ارائه کنیم. کتاب شامل دو بخش با نام‌های «گامی در شناخت مکتب های فقهی» و «گفت و گوها»، یک کتاب‌نامه، یک نمایه و فهرست تفصیلی گفت و گوهاست.

بخش اول در دو فصل سامان یافته که فصل نخست به موضوع ضرورت و فواید ارائه فقه اسلام به صورت مکاتب می‌پردازد. نویسندگان در این فصل، بصیرت بیشتر فقه‌پژوه، آسان شدن آموزش فقه، معرفی آسان فقه و شناخت نقاط قوت و ضعف فقه را به عنوان فواید مکتب‌شناسی ذکر می‌کنند. در فصل دوم اختلاف نظر در منابع، مبانی و روش‌های فقه، معیارهای تفکیک مکاتب فقهی دانسته شده و در ذیل آنها مواردی همچون اختلاف در تعداد منابع، تفسیر منابع، شرایط اعتبار منابع، مبانی تفسیر متنی، مبانی حدیث شناسی، مبانی کلامی، عقلی یا نقلی بودن روش فهم احکام و انفرادی یا انضمامی بودن روش فهم احکام به عنوان زیرشاخه‌های معیارهای تفکیک مکاتب فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در پایان بخش اول، مؤلف، سی کتاب و مقاله را نیز ذیل عنوان مآخذ شناسی روش‌ها و مکاتب فقهی در فقه امامیه آورده و سپس وارد بخش گفت و گوها شده است.

نخستین گفت و گو با مصطفی ملکیان، استاد حوزه و دانشگاه، صورت گرفته و وی به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ گفته است:

- ویژگی‌ها و شاخصه‌های مکتب در علوم چیست؟
- عوامل پیدایش مکاتب در علوم گوناگون چه بوده است؟
- آیا می‌توان مکاتب را ارزش‌گذاری کرد؟
- در کدام یک از علوم اسلامی مکتب شکل گرفته است؟
- آگاهی از مکاتب یک علم برای کسی که در آن رشته علمی تحصیل یا تحقیق می‌کند، به چه میزان لازم است و چه فوایدی دارد؟

- چگونه می‌توان این قبیل مباحث را در نظام آموزشی - پژوهشی حوزه نهادینه کرد؟
به اعتقاد ملکیان، مکتب فاقد پیشینه معنایی در فرهنگ اسلامی بوده و از مغرب زمین به میان ما راه یافته است؛ از این رو سیر طبیعی بحث، اقتضای استقرای موارد کاربرد آن در علوم است. وی همچنین بر این باور است که موارد پنج‌گانه‌ای منشأ ایجاد یک مکتب و تمایز آن با مکاتب دیگر می‌شود: 1. اختلاف نظر در روش‌های تحقیق در یک علم 2. اختلاف نظر در مهم‌تر

دانشتن وجهي از وجوه يك علم 3. اختلاف نظر در تقدم يا تأخر پرداختن به يك مسأله 4. بومي شدن يك علم 5. اختلاف نظر در قلمرو و موضوع علم.

وي در ادامه میان مکتب در «تاریخ علم» و مکتب در خود «علم» تفاوت قائل شده و شرط تحقق مکتب در يك علم را آن مي‌داند که در زمان حاضر، میان صاحب نظران آن علم اختلاف وجود داشته باشد، و معتقد است، اختلاف نظر صاحب نظران پیشین يك علم يا اختلاف نظر صاحب نظران کنونی (بي آنکه اختلاف نظري میان آنان در زمان کنونی باشد) با صاحب نظران پیشین، سبب به وجود آمدن مکتب نمی‌شود.

ملکیان همچنین میان علم و علوم مقدماتی آن و به تبع بین مکتب در علم فقه و مکتب در علوم مؤثر در این علم فرق می‌گذارد و بر این اساس، وجود مکتب را مثلاً در علم اصول می‌پذیرد، ولي تکون آن را در خود علم فقه محرز نمی‌داند. او متقد است که تنها در بحث قلمرو فقه اختلاف نظرهایی میان صاحب نظران آن به چشم می‌خورد.

در گفت و گویی دیگر حجت‌الاسلام شب زنده دار تحقق مکتب را بر اساس اختلاف نظر در یکی از مقومات علوم یعنی موضوع، مسائل، اغراض، مبادی و منابع ممکن می‌داند، مشروط بر آنکه این اختلاف نظرها به اختلاف نظر چشم‌گیر در مسائل یا روش‌ها بیانجامد.

وي اختلاف نظر اصولیان و اخباری‌ها در تعداد منابع فقه (حجیت و عدم حجیت عقل)، اختلاف انفتاحی‌ها و انسدادی‌ها در امکان دست یافتن به حکم شرعی از طریق علم یا ظن، اختلاف نظر در حجیت نوع خبر واحد، اختلاف نظر در نقش فتوای مشهور و اختلاف نظر در روش بحث (نظیر تقدم بحث از مقتضای ادله عامه و قواعد بر بحث از مقتضای ادله خاصه یا برعکس) را از جمله زمینه‌های به وجود آمدن مکاتب گوناگون فقهی می‌داند.

حجت‌الاسلام شب زنده دار اختلاف در مسائل اصولی، رجالی و قواعد فقهی، تفاوت دیدگاه در لزوم آگاهی از فقه اهل سنت در اجتهاد و اختلاف در کیفیت و ترتیب استفاده از منابع فقهی در ابواب عبادات و غیر عبادات را در پیدایش مکاتب فقهی مؤثر می‌داند، اما درباره مکتب‌آفرینی اموری چون مبانی فلسفی، کلامی و اخلاقی در اجتهاد تردید می‌کند.

حجت‌الاسلام عابدی شاهرودی نیز بر این اعتقاد است که هر علمی برای کشف و اثبات مسائل، سیستمی دارد که به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش مشترک میان عقول و علوم بشری و بخش مخصوص به يك علم؛ و مکتب فقهی در اثر ظهور نظریه‌های بنیادین در بخش اختصاصی علم پدید می‌آید.

از نظر وي علم فقه مستعد پیدایش مکتب است؛ زیرا مسائل بنیادی فراوانی دارد که اختلاف نظر در آنها به چشم می‌خورد، نظیر اختلاف در مسائل علم اصول، ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع و حجیت مطلق ظن یا حجیت ظنون خاصه.

این استاد حوزه و دانشگاه در عین حال تحقق مکتب را مشروط به نبود مانع می‌داند و در این باره می‌گوید:

برای مثال، شیخ طوسی قائل به حجیت خبر واحد و سید مرتضی منکر حجیت آن، و این اختلاف مقتضی پیدایش مکتب فقهی است؛ اما از آنجا که شیخ بیشتر احادیث امامیه را خبر واحد می‌شمارد و سید بیشتر آنها را خبر محفوف به قرینه قطع آور، میان آن دو اختلاف چندانی در فقه پدید نیامده و مکتب فقهی‌ای هم شکل نگرفته است. حال آنکه اختلاف نظر اخباری‌ها و اصولی‌ها در بسیاری از مسائل، مقتضی به وجود آمدن مکتب فقهی بوده و مانعی هم بر سر راه آن وجود نداشته است و به همین علت دو مکتب اصولی و اخباری شکل گرفته است.

وي شرط دیگر پیدایی مکتب را تأثیر نظام‌مند (سیستماتیک) می‌داند و از این رو آگاهی از فقه اهل سنت را در اجتهاد، به دلیل اینکه نظام‌مند نیست، موجب تحقق مکتب نمی‌داند. همچنین وجود مباحث کلامی و اخلاقی را در اجتهاد مستقیماً سبب ایجاد مکاتب فقهی نمی‌داند و می‌گوید اینها مقتضی پیدایش مکاتب اصولی‌اند و از طریق علم اصول ممکن است موجب به وجود آمدن مکاتبی در علم فقه شوند.

گفت و گو با حجت‌الاسلام والمسلمین هادوی تهرانی آخرین گفت و گوی کتاب است که وي در آن چنین می‌گوید: واژه مکتب هنوز به حد اصطلاح نرسیده است تا جعل اصطلاح برای آن برخلاف چارچوب‌های پذیرفته شده علم باشد، بلکه اساساً دلیلی بر لزوم پیروی از این اصطلاح‌ها وجود ندارد. تعریفی که او از اصطلاح مکتب ارائه می‌کند، اختلاف نظر صاحب‌نظران يك علم در دو امر است: مبانی و روش‌ها. وي اختلاف در امور دیگری مثل اهداف و موضوع علم را موجب پیدایش مکتب نمی‌داند.

حجت‌الاسلام هادوی تهرانی بر وجود مکاتبی در فقه صحیح می‌گذارد و مذاهب فقهی حنفی، حنبلی، شافعی و مالکی را از جمله آنها می‌داند؛ زیرا در مبانی و روش‌ها اختلاف نظر دارند. وي همچنین اختلاف میان اصولی‌ها و اخباری‌ها را مکتب‌ساز می‌داند که یکی روش عقلی را در فقه معتبر نمی‌داند و دیگری از روش عقلی استفاده می‌کند و بلکه آن را در زمره منابع علم فقه به شمار می‌آورد.

این استاد حوزه علمیه سپس اختلاف در سایر مباحث اصولی را مصداق اختلاف در مبانی و موجب پیدایش مکتب در فقه می‌داند، همان طور که اختلاف در قواعد فقهی را در تحقق مکاتب فقهی مؤثر ارزیابی می‌کند.

اختلاف در مباحث رجالی، لزوم یا عدم لزوم آگاهی از فتوای قدما و نیز فقه اهل سنت در اجتهاد، لزوم و عدم لزوم مراجعه به کارشناسان در موضوع شناسی و اعتقاد به یکسانی و نایکسانی ابواب عبادات و غیر عبادات در کیفیت استنباط، از جمله موارد دیگری است که وي آنها را باعث به وجود آمدن مکتب معرفی می‌کند.

کتاب‌نامه مفصل در بخش دوم، نمایه‌های گوناگون و فهرست تفصیلی گفت و گوها، امکاناتی است که می‌تواند باعث بهره‌گیری بهتر و بیشتر از «پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی» شود.

گفتنی است، گفت و گوهایی این کتاب پس از تایپ، ویرایش علمی و ادبی شده و سپس در متن و حاشیه برای مطالب آن

عناوینی انتخاب شده است تا امکان دسترسی به مطالب خرد و کلان گفت و گوها بهتر و سریعتر فراهم شود. مطالعه این کتاب را، که در 415 صفحه، 1400 نسخه و به قیمت 3500 تومان، زمستان 1385 از سوی نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به چاپ رسیده است، به همه اساتید، طلاب، دانشجویان رشته های مرتبط و علاقه مندان توصیه می کنیم.